

فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ اسلام

سال بیست و دوم، شماره هشتاد و ششم

تابستان ۱۴۰۰

سنت‌های الهی حاکم بر حرکت تاریخ از منظر قرآن و نهج البلاغه

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۶/۱۳

تاریخ تأیید: ۱۴۰۰/۶/۵

علی اصغر رجبی^۱

مرتضی تهامی^۲

فلسفه تاریخ یکی از مهم‌ترین شاخه‌های معرفت تاریخی و در بردارنده مباحث مختلفی است که قانون تاریخی در بین آن‌ها، جایگاه ویژه‌ای دارد. این موضوع با عنوان سنت الهی در قرآن و نهج البلاغه همراه با ارائه نمونه‌هایی مبتنی بر روش حکمت و تعقل تاریخی مورد توجه قرار گرفته است و آگاهی از آن، یکی از نشانه‌های یقین و شناخت قطعی شمرده می‌شود.

مقاله پیش رو سعی دارد با روش وصفی - تحلیلی و با استفاده از آیات قرآن و آرای شارحان نهج البلاغه، مروری بر مفهوم و ویژگی‌های سنت‌های تاریخی در قرآن و نهج البلاغه داشته باشد. یافته‌های این مقاله نشان می‌دهد بر اساس آموزه‌های قرآن و نهج البلاغه، وقوع رویدادهای تاریخی، تابع سنت‌هایی ویژه است. همان‌گونه که دیگر صحنه‌های جهان هستی نیز به وسیله سنت‌های ویژه آن‌ها اداره می‌شود. این سنت‌ها ویژگی‌هایی هم‌چون

۱. استادیار گروه تاریخ دانشگاه خوارزمی: (aliasghar.rajabi@khu.ac.ir).

۲. استادیار گروه تاریخ دانشگاه خوارزمی: (motahami20@khu.ac.ir).

تغییرناپذیری، واقع‌گرایی، تبدیل‌ناپذیری و حرکت به سوی هدفی معین دارند.

کلیدواژگان: قرآن، نهج‌البلاغه، فلسفه نظری تاریخ، سنت‌های الهی، قانون تاریخی.

۱. مقدمه

تاریخ دانشی است که به مطالعه تحولات و تطورات حیات آدمی در گذشته می‌پردازد.^۱ نگرش امام علی علیه السلام به تاریخ به تبع آموزه‌های قرآن کریم، رویکردی علت جو، کلان‌نگر و تحلیل‌گر است. به عبارتی دیگر، نهج‌البلاغه گویاترین تفسیر قرآن است و دیدگاه تاریخی و فلسفی نهج‌البلاغه، متأثر از نگرش قرآن و فلسفه تاریخ است. دیدگاهی که تاریخ را پدیده‌ای زنده می‌داند، قوانین و سنت‌های حاکم بر آن را می‌بیند و آن را در چهارچوب قوانین، سنن و بر پایه اراده آزاد انسان، مایه گذر آموزی می‌شناسد و آن را به عنوان منبعی اساسی و یکی از منابع تفکر و شناخت در کنار خداشناسی، انسان‌شناسی و طبیعت‌شناسی معرفی می‌کند.^۲

در فلسفه نظری تاریخ، نخستین نکته‌ای که به آن توجه شده است، این ادعا است که تاریخ موجود زنده متحرکی است که روحی، جسمی، عزمی و آهنگی دارد. هم‌چنین دارای هدف و نظام، محرک و مسیری است.^۳ در نهج‌البلاغه نیز به طور آشکار ملاحظه می‌شود که تاریخ، سنت‌ها و نیروی محرکه‌ای دارد و صحنه‌های تاریخ به وسیله سنت‌های مربوط به خود در حرکت است. همان‌گونه که دیگر صحنه‌های جهان هستی به وسیله سنت‌های

۱. ساماران، روش‌های پژوهش در تاریخ، ج ۱، ص ۲۵؛ شمس‌الدین، حرکت تاریخ از دیدگاه امام علی علیه السلام، ص ۱۵.

۲. دلشاد تهرانی، تراز حیات: ساختارشناسی عدالت در نهج‌البلاغه، ص ۴۳-۴۴.

۳. مفتخری، مبانی علم تاریخ، ص ۷.

ویژه آن‌ها بر پا است.^۱ بنابراین، تاریخ از دیدگاه نهج‌البلاغه، مجموعه وقایع و حوادثی است که در چارچوب سنت‌های تغییر ناپذیر بروز کرده‌اند و باید به عنوان تجربه و عبرت در فراروی آیندگان قرار گیرند.

امام علی علیه السلام در نهج‌البلاغه، درک تاریخی از قرآن را در دست داشت و معتقد بود، غفلت مردم از قوانین تحول اجتماعی و راز سقوط یا عروج تمدن‌ها، نتایج مصیبت باری را به دنبال خواهد داشت. به همین دلیل می‌کوشید، مردم را با حقایق تاریخی و سنت‌های تحول اجتماعی آشنا سازد و به کمک آن قوانین، آنان را از سیر حوادث و تحولات آینده خبر دهد. بنابراین، یکی از مباحث فلسفه نظری تاریخ را بحث حرکت تاریخ تشکیل می‌دهد که مورخان و جامعه‌شناسان، دیدگاه‌های متفاوتی نسبت به این قضیه دارند. امام علی علیه السلام نیز در نهج‌البلاغه به موضوع سنت‌های الهی حاکم بر حرکت تاریخ می‌پردازد و با ارائه نمونه‌های گوناگون وجود حرکت تاریخ را تأیید می‌کند. بنابراین، مقاله پیش رو سعی دارد برای پرسش سنت‌های حاکم بر حرکت تاریخ در قرآن و نهج‌البلاغه از چه تعاریف، ویژگی‌ها و جایگاهی برخوردار است؟ پاسخی شایسته بیابد.

در مورد پیشینه تحقیق شایان توجه است که تاکنون از زوایای گوناگون کتاب‌ها و مقالات مختلفی درباره نهج‌البلاغه نوشته شده است. به طور نمونه می‌توان به مقالات و کتاب‌هایی با عناوینی چون *حوادث تاریخی قرآن در نهج‌البلاغه، فلسفه تاریخ از دیدگاه نهج‌البلاغه، بررسی تأثیر اخلاق در فلسفه نظری تاریخ با تکیه بر نهج‌البلاغه، تاریخ در نهج‌البلاغه* که با نگاهی کلی، فلسفه تاریخ را مورد پژوهش قرار داده است، اشاره نمود، اما در پژوهش حاضر سعی می‌شود با نگاهی جدید و جزئی‌نگر، موضوع سنت‌های الهی حاکم بر تاریخ از دیدگاه قرآن و نهج‌البلاغه با روش توصیفی - تحلیلی نقد و ارزیابی گردد.

۱. محرابی، «کلید شناخت فلسفه تاریخ در قرآن بینش تاریخی شهید صدر»، فصلنامه مفید،

۲. اهمیت و ضرورت بحث

اهمیت و ضرورت بحث درباره سنن الهی به عنوان قوانین اجتماعی در تدبیر جوامع بشری که بیان‌گر راه و رسم مستمر حاکم بر انسان‌ها است، این است که موجب پیدایش نگاه و بینش توحیدی به جهان و تحولات شکل‌گیرنده آن خواهد بود و در ایجاد بصیرت و اعتدال بخشی در انتظارات و توقعات انسان در برابر سختی‌ها و مصائب و موجب فعال شدن سنن حمایت‌گر اهل حق و فعال نشدن سنن تضعیف‌کننده اهل باطل می‌شود. علاوه بر این در اتخاذ مواضع متناسب با دیدگاه‌های قرآنی مؤثر است. از طرف دیگر بیانات امام علی علیه السلام در نهج‌البلاغه که الگویی مجسم و قابل تبعیت در اسلام است، می‌تواند بیان‌گر و بازگوکننده نمونه‌ها و مصادیق بارزی از سنن الهی باشد که در هدایت انسان‌ها نقش مهمی ایفا می‌کنند.

۳. فلسفه نظری تاریخ

در فلسفه نظری تاریخ، تبیین سیر کلی تاریخ بر اساس الگویی خاص مطرح است. فیلسوفان نظری در پی کشف و ارائه الگوهای عام یا قوانین بنیادین حاکم بر سیر تحول تاریخ هستند. آن‌ها با جسارت تمام از شأن علمی، قوانین و الگوهای اکتشافی خویش دفاع می‌کنند و دگرگونی‌ها و فراز و فرودهایی که در روند کلی حرکت تاریخ رخ می‌دهد را تابع نظم و نظام مشخصی قلمداد می‌کنند. در این صورت فلسفه تاریخ، فلسفه نظری تاریخ یا فلسفه جوهری تاریخ^۱ نامیده می‌شود که کوششی است تا معنا و مفهوم روند کلی حرکت پدیده‌های تاریخی را کشف کند و به ماهیت کلی و عام فرآیند تاریخ دست یابد.

فلسفه نظری تاریخ به عنوان معرفتی درجه اول، تاریخ را به عنوان مجموعه حوادث گذشته از آغاز تاکنون مورد مطالعه قرار می‌دهد، حرکت قافله بشری از آغاز تاکنون را به صورت کلی می‌نگرد و به پرسش‌های اساسی درباره این حرکت پاسخ می‌دهد.

1. Substantive Or Speculative Philosophy Of History.

پرسش‌هایی چون قانون مندی، عوامل محرک، جهت و غایت حرکت تاریخ، نه جزئیات آن.^۱ نکته اساسی مورد توجه فلاسفه در این حوزه را می‌توان به این صورت بیان کرد که آن‌ها بر آن هستند که مفهوم و هدف جریان تاریخ را به طور کلی کشف نمایند.^۲

به نظر آن‌ها، تاریخ به صورتی که تاریخ نویسان عادی آن را در قالب یک‌سری رویدادهای نامرتب که فاقد انسجام و دلیل هستند و تلاش نمی‌کنند که طرح و قواره تاریخ را که در ورای این رویدادها است نشان دهند، عقیده دارند که وظیفه فلسفه تاریخ آن است که شرحی دقیق از مسیر رویدادهای تاریخی بنویسد که منطق اساسی این مسیر به طور بارز نشان داده شود.^۳ بیشتر کسانی که در فلسفه نظری تاریخ قلم زده‌اند،^۴ تلاش کرده‌اند جریان کلی تاریخ را یا آن مقدار از آن را که می‌دانستند، بررسی کنند و در آن الگوهایی از نظم و علیت و معنا بیابند.^۵ این که تاریخ به کجا می‌رود (هدف)؛ چگونه می‌رود (محرک)؛ از چه مسیری می‌رود؟ سؤالاتی هستند که در فلسفه نظری تاریخ مطرح شده است.^۶ از آن‌جا که امام علی علیه السلام توجه‌ای ویژه به مباحث تاریخی داشته‌اند در موقعیت‌های مختلف به تاریخ و فلسفه نظری تاریخ اشاره نموده‌اند.

۱. مفتخری، مبانی علم تاریخ، ص ۱۶.
۲. حسن‌زاده و خلیلیان، فلسفه تاریخ از دیدگاه اسلام، ص ۲۰-۲۳.
۳. والش، مقدمه‌ای بر فلسفه تاریخ، ص ۲۸.
۴. هگل، مارکس، توین بی و اشپنگلر.
۵. استنفورد، درآمدی بر تاریخ پژوهی، ص ۳۷۰.
۶. سروش، فلسفه نظری تاریخ، ص ۸؛ کافی، فلسفه نظری تاریخ (مفاهیم و نظریه‌ها)، ص ۹-۱۰؛ جعفری و سعیدی، «بررسی تأثیر اخلاق در فلسفه نظری تاریخ با نگاه بر نهج البلاغه»، پژوهشنامه نهج البلاغه، س ۲، ش ۷، ص ۲۳.

۴. معنای سنت

سنت از نظر لغت به معنای راه و رسم، روش، رفتار و شیوه‌ای است که استمرار داشته باشد.^۱ بنابراین گفتار، تأیید و عمل معصومین علیهم‌السلام سنت نامیده می‌شود.^۲ سنت نبی؛ یعنی طریق و راهی که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌پیماید و سنت الهی، طریق حکمت الهی و راه اطاعت و پیروی از خدا است.^۳ سنت در اصطلاح عبارت است از طریقه‌ای که جامعه در آن سیر می‌کند.^۴ به عبارت دیگر، سنت طریقه معمول و رایج است.^۵

۵. سنت الهی

خداوند هم‌چنان که جهان طبیعت را بر پایه هدایت تکوینی اداره می‌کند، جامعه و تاریخ بشری را با ضوابط خاصی تدبیر می‌کند که با الهام از قرآن از آن‌ها به سنت‌های اجتماعی و تاریخی تعبیر می‌شود.^۶ در یازده آیه از آیات شریف قرآن کریم، تعابیر *سُنَّةَ اللَّهِ*، *سُنَّةَ الْأَوَّلِينَ*، *سُنَّةَ اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ*، *سُنَّتَنَا*، *سُنَّةَ مَنْ قَدْ أَرْسَلْنَا*

۱. دهخدا، لغت‌نامه، ج ۸، ص ۱۲۱۴۶؛ راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ج ۲،

ص ۳۸۰؛ ابن اثیر، النهاية فی غریب الحدیث و الاثر، ج ۲، ص ۴۰۹.

۲. طباطبایی، قرآن در اسلام، ج ۱۶، ص ۳۴۰.

۳. مظفر، اصول الفقه، ج ۲، ص ۶۱.

۴. شهیدالاول، اللمعة الدمشقیة، ص ۱۷؛ عاملی، وسائل الشیعة، ج ۳، ص ۳۰۵.

۵. طبرسی، مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۸۴۱.

۶. وفا، تاریخ از دیدگاه قرآن و نهج‌البلاغه، ص ۱۳۹.

۷. فتح: ۲۲.

۸. انفال: ۳۸.

۹. احزاب: ۶۲.

۱۰. الاسراء: ۷۷.

قَبْلَكَ مِنْ رُسُلِنَا، سُنَنَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ سُنَنٌ^۳ به کار رفته است.

درباره برخی از این آیات نسبت به این که بیان گر رابطه تکوینی بین پدیده‌های اجتماعی هستند یا آن که مقصود از سنت، الگوی اعتباری رفتار اجتماعی است، اختلاف نظر وجود دارد، ولی در بیشتر آیات، اتفاق نظر وجود دارد که مقصود از سنت، روابط عینی و تکوینی بین پدیده‌های اجتماعی؛ یعنی قانون‌مندی جامعه و پدیده‌های اجتماعی است. بنابراین، این کلمه در قرآن در هفده مورد به کار رفته است و بیشتر آن‌ها در خصوص نزول عذاب بر اقوام مجرم، باطل‌گرا و کافر است، ولی از آن نظر که هیچ یک از افعال الهی عبث و بی‌حساب نیست و همه آن‌ها از حکمت او سرچشمه می‌گیرد، می‌توان مفهوم آن را تعمیم داد و گفت سنت‌های الهی عبارت است از:

ضوابطی که در افعال خداوند وجود دارد و روش‌هایی که امور عالم را

بر پایه‌ی آن‌ها اداره می‌کند.^۴

لازم به یادآوری است که سنت دست‌کم از چهار حیث موضوع، کنش‌گر، اهداف و آثار و پی‌آمدها می‌تواند اجتماعی باشد. با توجه به آنچه گذشت و تعریفی که از سنت ارائه شد، می‌توان گفت که سنت اجتماعی رابطه‌ای با تأثیر و تأثر ثابت و پایدار میان دو پدیده‌ای است که بر اساس یکی از وجوه چهارگانه موضوع، کنش‌گر، اهداف و آثار و پی‌آمدها با زندگی اجتماعی انسان‌ها در ارتباط باشد.

۱. همان.

۲. نساء: ۲۶.

۳. آل عمران: ۱۳۷.

۴. مصباح یزدی، جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن، ص ۴۳۵؛ صدر، سنت‌های اجتماعی و فلسفه

تاریخ در مکتب قرآن، ص ۳۴-۴۰.

۶. اهمیت سنت‌ها در جامعه

توجه به جریان سنت‌های الهی، بیدارکننده و حرکت آفرین است و انسان را بر اعمال خیر و پرهیز از اندیشه‌ها و عمل‌های نادرست برمی‌انگیزد. از این‌رو، حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَام هنگامی که یاران خود را به جنگ جمل (۵۳۶ ق.م) ترغیب می‌کرد، سنت‌های گذشته را یادآوری می‌نمود و می‌فرمود:

گروه ستمکار به پا خاسته‌اند. پس کجا بیدار آیند که برای خدا قیام می‌کنند؟

سنت‌ها بر ایشان روشن شده است و اخبار آن پیش از این گفته شده است.^۱

مقصود این است که برای مؤمنان بیدار و مطلع که امر به معروف، نهی از منکر و جهاد را برای رضایت خداوند انجام می‌دهند، جای تردیدی نمانده است که پدیدآورندگان جنگ جمل باغی و یاغی هستند؛ زیرا آن‌ها این امر را از دو راه می‌دانند: اول از راه شناخت سنت‌ها و اشراف به جریانات سیاسی و دوم از راه وحی و پیش‌گویی پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اسلام که از ظهور ناکثین برای آن‌ها خبر داده بود.^۲

آگاهی از سنت‌ها یکی از علامات یقین و شناخت قطعی است و کسی که نسبت به سنن الهی ناآگاه و بی‌تفاوت باشد، علم، اطلاعات و درک صحیح وی از روند جامعه و تاریخ به مرتبه یقین نخواهد رسید. حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرماید:

یقین بر چهار قسمت است: بیش همراه با هوشیاری و زیرکی، رسیدن به

دقایق حکمت، پند گرفتن از حکمت‌ها و توجه به روش پیشینیان. کسی که

هوشیار و بینا باشد، حکمت و دقایق امور برایش روشن می‌شود و کسی که

دقایق امور و حکمت برایش روشن باشد، عبرت فراگیرد و کسی که درس عبرت

۱. فیض الاسلام، نهج‌البلاغه، خطبه ۱۴۸.

۲. وفا، تاریخ از دیدگاه قرآن و نهج‌البلاغه، ص ۱۴۰.

فراگیرد، گویا همیشه با گذشتگان بوده است.^۱

دقت در این سخن، روشن‌گر این نکته است که یقین حاصل از تاریخ وقتی به دست می‌آید که مطالعه و درک سنت‌های گذشته حکیمانه، دقیق و عمیق باشد. آن چنان که انسان احساس کند در بین گذشتگان زیست کرده است و محصول حیات آنان را به خوبی دریافته است.^۲

۷. ویژگی‌های سنت از منظر قرآن

پیش از بیان برخی از نمونه‌ها و انواع سنت‌های اجتماعی به ویژگی‌های سنن الهی می‌پردازیم.

۷-۱. فراگیری

سنت‌های جاری در جامعه و تاریخ عمومیت دارد. محدود به زمان، مکان و فرد نیست و تمام افراد بشر را در بر می‌گیرد، چه مؤمن، چه کافر، چه امم گذشته و چه ملت‌های حال و آینده. در هیچ شرایط زمانی و مکانی تغییر نمی‌پذیرد و درباره هیچ فرد و جامعه‌ای نقض نمی‌گردد و در هیچ حال، استثنا نمی‌پذیرد و نسبت به همه جوامع جریان دارد. خداوند در قرآن می‌فرماید:

این سنت الهی در مورد کسانی که پیش از این بوده‌اند، جاری بوده است و فرمان خدا روی حساب و برنامه دقیقی است.^۳

۱. فیض الاسلام، نهج البلاغه، حکمت ۳۱؛ امامی و آشتیانی، ترجمه گویا و شرح فشرده‌ای بر نهج البلاغه، ج ۳، ص ۲۲۱.

۲. نصر، ارزش تاریخ در نهج البلاغه، ص ۳۴.

۳. سُنَّةَ اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ قَدَرًا مَقْدُورًا (احزاب: ۳۸).

از آن‌جا که جریان و حاکمیت سنت‌ها مبتنی بر تقدیر، حکمت و قدرت نامحدود الهی است، زیرکی، اقتدار، زیادی جمعیت و هیچ عامل دیگری، مانع از استمرار آن‌ها نمی‌گردد و همه تدبیرها، روش‌ها و چاره‌جویی‌ها مقهور اراده خداوند است. خداوند در قرآن می‌فرماید:

چه بسیار اقوامی را پیش از آنان نابود کردیم که هم مال و ثروتشان از آن‌ها بهتر بود و هم ظاهرشان آراسته‌تر.^۱

بنابراین، آیات و روایات فراگیر بودن سنت‌های الهی، این مطلب را یادآوری می‌کند که جوامع انسانی در کلیت تاریخی خود تابع قوانین خداوند هستند که هیچ فرد و جامعه‌ای از آن‌ها مستثنا نیست و برای تمامی اقوام و ملل در تمام مکان‌ها و زمان‌ها است. پس مردمان باید پند بپذیرند؛ چرا که در صورت ارتکاب اعمالی، همان سنت‌های معمول در حق گذشتگان، گریبان‌گیر آنان خواهد شد.

۲-۲. تغییر ناپذیری

یک ویژگی مهم سنت‌های الهی این است که ثابت و تغییر ناپذیرند. تغییر ضوابط کلی که اغلب از جهل، ضعف و محدودیت قدرت اجرایی سرچشمه می‌گیرد در سنن و قوانین اجتماعی خداوند وجود ندارد؛ زیرا علم مطلق و قدرت نامتناهی جایی برای جابه‌جایی و تغییر باقی نمی‌گذارد. خداوند در قرآن می‌فرماید:

آیا آن‌ها چیزی جز سنت پیشینیان (و عذاب‌های دردناک آنان) را انتظار دارند؟ هرگز برای سنت خدا تبدیلی نخواهی یافت و هرگز برای سنت الهی تغییری نمی‌یابی.^۲

۱. وَ كَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِنْ قَرْنٍ هُمْ أَحْسَنُ أَثَاثًا (مریم: ۷۴).

۲. فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا سُنَّتَ الْأَوَّلِينَ فَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَبْدِيلًا وَ لَتَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَحْوِيلًا (فاطر: ۴۳).

بنابراین، یک ویژگی مهم سنت‌های الهی این است که ثابت و تغییر ناپذیر هستند. تبدیل سنت خدا به این است که عذاب را بردارند و به جایش عافیت و نعمت بگذارند. همچنین، تحول سنت عبارت از این است که عذاب فلان قوم را که مستحق آن هستند به سوی قومی دیگر برگردانند و سنت خدا نه تبدیل می‌پذیرد و نه تحول؛ زیرا خدای تعالی بر صراط مستقیم است، حکم او نه تبعیض دارد و نه استثنا.^۱

۷-۳. بازتاب جمعی

بافت جامعه، تأثیر و تأثر متقابل و مسئولیت‌های دینی، انسانی و اخلاقی افراد، بازتاب جمعی و سرنوشت مشترک در پی دارد. اگر آحاد جامعه علیه جریان‌های باطل یا ظلم و ستم مبارزه نکردند و همچنان بی‌تفاوت نشستند و ستم‌پذیر گشتند، مجازات الهی و واکنش عمل زشت آن‌ها، گریبان همه را می‌گیرد، چه ظالمان و هم‌فکران ایشان، چه افرادی که بدون عذرخواهی در برابر ستم سکوت کردند؛ چرا که این امر خاصیت و بازتاب حوادث اجتماعی و جریان سنت است. خداوند در این باره می‌فرماید:

و از فتنه‌ای پرهیزید که تنها به ستمکاران شما نمی‌رسد. بلکه همه را فرا

خواهد گرفت؛ چرا که دیگران سکوت کردند.^۲

امیرالمؤمنین حضرت علی علیه السلام در این باره می‌فرماید:

ای مردم! رضایت و نارضایتی (بر عملی) موجب وحدت پاداش و کیفر مردم می‌گردد (کسانی که راضی به آن عمل هستند در کیفر و پاداش شریک هستند) ناقه ثمود را یک نفر بیشتر پی نکرد، اما عذاب و کیفر آن، همه قوم ثمود را فراگرفت؛ زیرا همه به عمل او راضی بودند. خداوند می‌فرماید: «آن را پی

۱. طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۱۷، ص ۸۳.

۲. انفال: ۲۵.

کردند، ولی (سرانجام پس از نزول بلا) پشیمان گشتند.^۱

هم‌چنین در این ارتباط در نهج‌البلاغه آمده است:

سرزمین آنان هم‌چون آهن گداخته‌ای که در زمین نرم فرو رود، یک‌باره

فریادی برآورد و فروکش کرد (و بدین طریق کیفیت اعمال زشت خود را دیدند).^۲

۴-۷. قانون مداری

واقع‌گرایی و قانون‌مندی از دیگر ویژگی‌های سنت‌ها است. بدین معنا که ترقی یا انحطاط فرهنگ و تمدن یا پیروزی و شکست گروهی در جنگ و سیاست به‌صورت تصادفی یا یک‌جانبه و بدون محاسبه و خارج از حوزه علیت نیست، بلکه بر اساس واقع-بینی و به دور از هرگونه محافظه‌کاری است. شکست مسلمانان در جنگ احد (۲ ه.ق.) نمونه بارزی در این باره است. قرآن این حادثه را قانون‌مندانه تحلیل می‌کند تا بر همگان معلوم گردد که پیروزی، حق الهی و حتمی یک مسلمان در هر شرایط نیست و شکست هم همواره مربوط به دشمن نیست. پیروزی و شکست برحسب علل و اسباب طبیعی از یک‌سو و امداد الهی از سوی دیگر و در شرایط خاص است.^۳

دولت و سعادت گاهی برای یک گروه است و گاهی برای گروه دیگر و جای تعجب نیست که این پیروزی گاهی برای حق باشد، گاهی برای باطل؛ زیرا گردش ایام، سنتی از سنن الهی است، بدون این که در یک‌جا متوقف شود و قوم دیگری را محروم نماید و این موضوع منافاتی با پیروزی حتمی حق بر باطل ندارد؛ زیرا حق در فراز و نشیب‌های مختلف قرار می‌گیرد و سرانجام به پیروزی مطلق می‌رسد.^۴ بنابراین با توجه به این مطالب

۱. شعرا: ۱۵۷.

۲. فیض الاسلام، نهج‌البلاغه، خطبه ۲۰۱.

۳. صدر، سنت‌های اجتماعی و فلسفه تاریخ در مکتب قرآن، ص ۷۸-۸۰.

۴. طباطبایی، ترجمه تفسیر المیزان، ج ۷، ص ۴۶.

می‌توان گفت که سنت‌های الهی عمومی و تغییر ناپذیر هستند. هم‌چنین پیامبران، امامان، مؤمنان و غیر مؤمنان در آن یکسان هستند.

۸. انواع سنت

در قرآن و نهج‌البلاغه همه سنت‌های الهی تبیین شده است و سنت‌های الهی بر دو نوع مطلق و مشروط است.

۸-۱. سنت‌های مطلق

سنت‌های مطلق به آن دسته از سنت‌هایی گفته می‌شود که جریان آن‌ها، معلول نوع اختیار انسان‌ها نیست. بلکه انسان‌ها چه مسیر حق را برگزینند و چه باطل را انتخاب کنند، سنت‌های عام در موردشان جریان می‌یابد. برای مثال به دو نمونه اشاره می‌شود.

۸-۱-۱. هدایت انبیایی

آنچه از قرآن و روایات امامان معصوم و شواهد تاریخی بر می‌آید، این است که خداوند در طول تاریخ، پیامبرانی را برای هدایت امت‌ها و جامعه‌ها برانگیخته است نه به سوی یکایک افراد. تعبیرات امت، قریه و قری که در ارتباط با انبیا بیان شده است، مؤید این معنا است که خداوند می‌فرماید:

و ما برای هر ملتی رسولی برانگیختیم تا خدای یکتا را پرستید.^۱

و ما [مردم] هیچ شهری و دیاری را هلاک نکردیم، مگر این‌که انذار

کنندگانی (از پیامبران الهی) داشتند.^۲

امام علی علیه السلام در نهج‌البلاغه در مورد سنت هدایت عمومی می‌فرماید:

۱. نحل: ۳۶.

۲. شعرا: ۲۰۸.

خداوند، فرستادگان خود را در میان خلق فرستاد و پیامبرانش را پی‌درپی (یا با فاصله) به سوی آن‌ها مبعوث گردانید تا از ایشان بخواهند پیمانی را که در سرشت و فطرتشان نهاده بود، ادا نمایند و نعمت الهی را که به فراموشی سپرده شده بود به یادشان آورند و با تبلیغ فرمان‌های خداوندی حجت را بر آن‌ها تمام کنند و عقلی که موجب معرفت حق است و در وجودشان نهان گردیده بود در ایشان برانگیزند و نشانه‌های قدرت الهی را که با دست تقدیر به وجود آمده است به ایشان نشان دهند.^۱

هم‌چنین در خطبه‌ای دیگر می‌فرماید:

خداوند سبحان، محمد رسول الله ﷺ برای انجام وعده خویش و اتمام اصل نبوت مبعوث نمود. پیامبری با علامات مشهور.^۲

علاوه بر آن در خطبه دیگر می‌فرماید:

خدای سبحان از فرزندان آدم پیامبرانی برگزید و برای وحی و تبلیغ رسالت از آنان پیمان گرفت.^۳

در تأکید موضوع، بار دیگر در نهج‌البلاغه آمده است:

رسول خود را به دو گروه جن و انس فرستاد تا پرده‌های ظلمانی دنیا را از مقابل چشمان آنان بردارند. از آسیب‌های دنیا بر حذرشان بدارند و از دنیا، مثل‌ها برای آنان بیان کنند و آنان را بر عیوب آن، بینا سازند و به آن مردم ملاک‌ها و

۱. فیض الاسلام، نهج‌البلاغه، خطبه ۱.

۲. همان، خطبه ۱۵۱.

۳. همان، خطبه ۱.

اصول معتبر را در موقع رویارویی و تصرف در تندرستی‌ها و بیماری‌های دنیا و حلال و حرام آن بفهمانند و به آنان بفهمانند که خداوند چه پاداشی برای مردم مطیع و چه مجازاتی برای مردم گناهکار از بهشت و دوزخ و کرامت و اهانت آماده فرموده است.^۱

۸-۱-۲. آزمایش مردم

آزمایش از دیگر سنت‌های تاریخی و اجتماعی است. این موضوع که با تعبیراتی، چون فتنه و بلا آمده است در موارد زیادی مطرح شده است و در دو صورت فردی و اجتماعی قابل بررسی است. بدین معنا که خداوند گاهی شخصی را می‌آزماید تا قدرت روحی، ظرفیت، سپاس‌گزاری و یا ناسپاسی او روشن شود. قرآن کریم در این باره می‌فرماید:

به یقین، همه شما را با چیزی از ترس، گرسنگی و کاهش در مال‌ها و جان‌ها و میوه‌ها آزمایش می‌کنیم و بشارت‌ده با استقامت کنندگان.^۲

با اهمیت بودن سنت آزمایش در نزد حضرت را می‌توان با پرتکرار بودن این مطلب در فرازهای گوناگون سخنان ایشان در نهج‌البلاغه متوجه شد. برای نمونه، خطبه ۱۶ نهج‌البلاغه بعد از قتل عثمان و به حکومت رسیدن امام علیه السلام ایراد شده است.^۳ آن حضرت در لابه‌لای سخنان خویش در این خطبه به حتمی بودن سنت امتحان و آزمایش اشاره می‌کند و می‌فرماید:

وَ الَّذِي بَعَثَهُ بِالْحَقِّ لِيُثَبِّتَنَّ بِلَيْلَةٍ^۴؛ سوگند به خدایی که پیامبر را به حق

۱. همان، خطبه ۱۸۳.

۲. بقره: ۱۵۵.

۳. جعفری، پرتوی از نهج‌البلاغه، ص ۲۲۲.

۴. فیض الاسلام، نهج‌البلاغه، خطبه ۱۶.

مبعوث کرد، سخت آزمایش می‌شوید.

در این سخن بلیه به معنای آزمایش است.^۱ هم‌چنین، امام علی علیه السلام در خطبه ۲۳۴ بر سنت آزمایش الهی در میان مردمان گذشته اشاره می‌کند و می‌فرماید:

در احوال گذشتگان از مؤمنان پیش از خودتان بیندیشد که در حال ابتلا و

آزمایش چگونه بودند؟^۲

امام علی علیه السلام در خطبه دیگر در این باره می‌فرماید:

پس به تحقیق که خداوند سبحان بندگان را که در نزد خودشان مستکبر

هستند به اولیایش که در چشم مستکبران مستضعف هستند، می‌آزماید.^۳

گاهی امتحان الهی در سطح گسترده و برای یک قوم، گروه و ملتی مطرح می‌شود.

قرآن کریم در این باره می‌فرماید:

فرمود: ما قوم تو را بعد از تو آزمودیم و سامری آن‌ها را گمراه ساخت.^۴

در نهج‌البلاغه درباره این مورد آمده است:

مردم! باید خداوند شما را در نعمت ترسان ببینید همان گونه که از بروز

نعمتش هراسانید؛ زیرا کسی که در مال و منالش گشایش پدید آید و آن را

دامی برای گول خوردن نشناخت از پیش آمد ترسناکی، خود را آسوده داشته

است و هر کس که به تنگ دستی دچار شد و آن را وسیله آزمایش خود

۱. مکارم شیرازی، پیام امام، شرح تازه و جامعی بر نهج‌البلاغه، ج ۱، ص ۵۴۰.

۲. فیض الاسلام، نهج‌البلاغه، خطبه ۲۳۴.

۳. همان.

۴. طه: ۸۵.

ندانست، پاداش امیدبخشی را نادیده گرفته است.^۱

۸-۱-۳. هدف از آزمایش

خداوند از گذشته و آینده، ظاهر و باطن افراد و جوامع آگاه است و با امتحان کردن و یا امتحان نکردن انسان‌ها نه بر عملش افزوده می‌شود و نه مشکلی به وجود می‌آید. بلکه هدف خداوند این است که با آزمایش، استعداد شایستگی و توان مندی افراد را برای خودشان آشکار سازد تا آن‌ها را برای پذیرش تعلیمات دینی آماده نماید.^۲ امیرالمؤمنین حضرت علی علیه السلام در این باره می‌فرماید:

آگاه باشید! به درستی که خدای تعالی آشکار کرد خلق را آشکار کردنی، نه از جهت این که جاهل بود به آنچه از رازهای محفوظشان و مکتون ضمائرشان پنهان کرده بودند، بلکه از جهت این که آزمایش کند ایشان را تا کدام یک نیکوکارترند تا ثواب و پاداش و عقاب کیفر باشد.^۳

هم‌چنین در خطبه دیگری می‌فرماید:

به درستی که خداوند متعال مبتلا می‌کند [و امتحان می‌فرماید] بندگان خود را به هنگام اقدام بر کارهای بد به نقصان میوه‌ها و حبس برکت‌ها و بستن خزینه‌های خیرات تا توبه‌کننده توبه کند و ترک‌کننده [گناه را] ترک کند و پند پذیرنده پند پذیرد و منزجر شونده [از گناه] منزجر شود.^۴

۱. فیض الاسلام، نهج البلاغه، حکمت ۳۵۸.

۲. جعفری، تاریخ در نهج البلاغه، ص ۴۱.

۳. فیض الاسلام، نهج البلاغه، خطبه ۱۴۴.

۴. همان، خطبه ۱۴۳.

۸-۲. سنت‌های مشروط

موضع‌گیری‌های درست یا نادرست در مقابل تعالیم الهی و استقبال از راه حق یا باطل، زمینه را برای برخی از سنت‌های الهی آماده می‌کند که از آن‌ها به سنت‌های مشروط تعبیر می‌شود؛ یعنی سنت‌هایی که معلول رفتار مردم هستند.

۸-۲-۱. سنت امداد

عامی‌ترین و کلی‌ترین سنتی که خداوند برای حمایت از انسان‌ها اعمال می‌کند، سنت امداد است. بدین معنا که خدا، هم کسانی را طالب دنیا و کمالات مادی و دنیوی باشند و در راه باطل گام گذارند، یاری می‌کند و هم کسانی را که جویای آخرت و کمالات معنوی باشند و در طریق حق گام بردارند؛ یعنی وسایل پیش‌رفت و رسیدن به هدف را برای هر دو گروه فراهم می‌سازد.^۱ آیات زیادی از قرآن کریم به آن تصریح دارد. خداوند در قرآن می‌فرماید:

کسی که زراعت آخرت را بخواهد به کشت او برکت و افزایش می‌دهیم و بر محصولش می‌افزاییم و کسی که فقط کشت دنیا را بطلبد، کمی از آن را به او می‌دهیم، اما در آخرت بهره‌ای ندارد.^۲

هم‌چنین در جای دیگر می‌فرماید:

آن کس که (تنها) زندگی زودگذر (دنیا) را می‌طلبد، آن مقدار از آن را که بخواهیم - و به هر کس اراده کنیم - می‌دهیم، سپس دوزخ را برای او قرار خواهیم داد که در آتش سوزانش می‌سوزد در حالی که نکوهیده و رانده (درگاه خدا)

۱. مصباح یزدی، جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن، ص ۴۳۵.

۲. مَنْ كَانَ يَرْيِدُ حَرْثَ الْآخِرَةِ نَزِدْ لَهُ فِي حَرْثِهِ وَمَنْ كَانَ يَرْيِدُ حَرْثَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ نَصِيبٍ (شوری: ۳۰).

است و آن کس که سرای آخرت را بطلبد و برای آن سعی و کوشش کند - در حالی که ایمان داشته باشد - سعی و تلاش او (از سوی خدا) پاداش داده خواهد شد. هر یک از این دو گروه را از عطای پروردگارت بهره و کمک می‌دهیم و عطای پروردگارت هرگز (از کسی) منع نشده است.^۱

امیرالمؤمنین علیه السلام در خطبه ۱۶ نهج البلاغه که در مدینه بعد از قتل عثمان و به حکومت رسیدن امام علیه السلام ایراد شده است حقیقت حاکمیت متناوب حق و باطل را در قرون و اعصار خاطر نشان می‌کند و این مطلب را متذکر می‌شود که هر چند طرفداران حق اندک باشند باز هم احتمال پیروزی آنان بر اهل باطل وجود دارد. آن حضرت می‌فرماید:

حق و باطل همیشه در پیکارند و برای هر کدام طرف‌دارانی است. اگر باطل پیروز شود، جای شگفتی نیست از دیر باز چنین بوده است و اگر طرف‌داران حق اندک هستند، چه بسا روزی فراوان کردند و پیروز شوند، اما کمتر اتفاق می‌افتد که چیز رفته باز گردد.^۲

با توجه به زمان ایراد این خطبه می‌توان این‌گونه تحلیل کرد که چون امام این خطبه را در اوایل روزهای حکومت خویش ایراد کردند در واقع در آن، برنامه‌های خود در زمان حکومت را بیان فرمودند و به مسائل متفاوتی در این رابطه پرداختند که از جمله این موارد، مسئله حق و باطل و پیکار دائمی آن‌ها است. آن حضرت به مردم هشدار می‌دهند که از کمی طرف‌داران حق و فزونی پیروان باطل وحشت نکنند، راه حق را در پیش گیرند و در انتظار پیروزی و نصرت الهی باشند که این هشدار، یک هشدار عمومی برای تمام پیروان

۱. اسراء: ۱۸ - ۲۰.

۲. فیض الاسلام، نهج البلاغه، خطبه ۱۶.

ایشان است. در واقع، امیرالمؤمنین علیه السلام در این مورد به سنت امداد الهی اشاره می‌کنند و حکومت خود را حکومت بر حق می‌دانند.

در بیان دیگر، امام علی علیه السلام طرف‌داران حق را فرا می‌خوانند به این که هرگز به خاطر در اقلیت بودن وحشت نکنند و دچار یأس و ناامیدی نگردند؛ چرا که در راه باطل قدم گذاردن وحشت‌آور است.^۱ امیرالمؤمنین حضرت علی علیه السلام در این باره می‌فرماید:

ای مردم در راه راست از کمی روندگان نهراسید.^۲

ایشان در جای دیگر می‌فرماید:

آن که چیزی را جوید بدان یا به برخی از آن برسد؛ یعنی هر کس - اعم از مؤمن یا غیر مؤمن - دنبال چیزی باشد خداوند او را به مطلوبش یا به بعضی از مطلوبش می‌رساند.^۳

هم‌چنین در جای دیگر می‌فرماید:

شکیبا، پیروزی را از دست ندهد، گرچه روزگارانی بر او بگذرد.^۴

نکته قابل توجه این که سنت امداد، فراگیر و شامل همه انسان‌ها می‌شود، ولی از سنت‌های مشروط شمرده شده است. بدین دلیل که مسبوق به رفتار و خواست قبلی افراد است؛ یعنی آنان دنیا یا آخرت را به صورت جدی می‌خواهند و درباره آن‌ها به تلاش و کوشش می‌پردازند. آن‌گاه امدادهای الهی به آنان می‌رسد، برخلاف دو سنت هدایت به

۱. جعفری، تاریخ در نهج‌البلاغه، ص ۴۱.

۲. همان، خطبه ۲۰۱.

۳. همان، حکمت ۳۸۶.

۴. همان، حکمت ۱۵۳.

وسیله انبیا و آزمایش که مسبوق به افعال انسان‌ها نیستند. مردم چه بخواهند، چه نخواهند، هم مورد تبلیغ و هدایت واقع می‌شوند و هم مورد ابتلا و امتحان.

۸-۲-۲. سنت استخلاف

جای‌گزینی گروهی بر گروه دیگر از دیگر سنت‌های تاریخی است که از آن، گاهی به استخلاف و گاهی به استبدال تعبیر می‌شود؛ یعنی قومی را جای قومی نشاندن و نسلی را با نسل تازه بدل نمودند.^۱ قرآن در این باره می‌فرماید:

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، هر کس از شما از آیین خود بازگردد، خداوند جمعیتی را می‌آورد که آن‌ها را دوست دارد و آنان (نیز) او را دوست دارند.^۲

هم‌چنین در جای دیگر می‌فرماید:

و هرگاه سرپیچی کنید، خداوند گروه دیگری را جای شما می‌آورد، پس آن‌ها مانند شما نخواهند بود.^۳

در این آیات، خداوند به اهل ایمان هشدار می‌دهد که اگر تمام مسئولیت‌های هدف‌دار خود را به عهده نگیرند و از دستورات الهی سرپیچی نمایند و نسبت به حقوق مالی و غیره مسلمانان بی‌تفاوت باشند، بی‌شک مشمول این سنت تاریخی می‌شوند؛ یعنی از مسیر اصلی کنار می‌روند و نسلی نو با صفات و شرایط خاصی جای‌گزین آنان می‌گردد.

حضرت علی علیه السلام نیز در روزهای ابتدایی حکومت خویش به جانشینی حق (اهل بیت) به‌جای باطل اشاره کردند و صحت و پیش‌بینی خود را از این اوضاع به تکیه بر سنت

۱. ابن منظور، ذیل ماده خلف.

۲. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ (مائده: ۵۴).

۳. وَإِنْ تَوَلَّوْا يَسْتَبَدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُونُوا أَمْثَالَكُمْ (محمد: ۳۸).

استخلاف بیان نمودند. ایشان با بیان سنت استخلاف به حقانیت حکومت معصومین پرداختند و این حکومت را حق مسلم خاندان اهل بیت دانستند و حکومت ائمه معصومین را به خورشیدی که طلوع کرده است، تشبیه کردند و این امر را از طرف خداوند متعال دانستند و حکومت خود را مصداقی از این حق بیان کردند. شاید به دلیل آن که کسی این حکومت را به ناحق نشمارد از همان ابتدای حکومت به این امر و سنت الهی اشاره کردند و این حق را همیشگی دانستند، هر چند که گاهی از آنان غصب شود. آن حضرت در سخنانی فرمودند:

دنیا پس از سرکشی به ما روی می‌کند، چونان شتر ماده بدخو که به بچه

خود مهربان گردد.

سپس این آیه را خواندند:

اراده کردیم که بر مستضعفین زمین، منت گذاریم، آنان را امامان و وارثان

حکومت‌ها گردانیم.^۱

در واقع، آن حضرت با این کلام تأکید می‌کنند که سنت استخلاف اجرا می‌شود تا ظلم و جهالت از بین برود. تصویر قرآنی حضرت در این کلام، استفاده از آیه «وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ»^۲ است. آن حضرت با استشهاد به این آیه، سنت استخلاف را بیان می‌کنند و حکومت نهایی را از آن مستضعفان می‌دانند. بنابراین با توجه به سیاق کلام می‌توان بیان کرد که آن حضرت برای بیان مصداق حکومت بر حق، حکومت خودشان را معرفی می‌کنند.

۱. فیض الاسلام، نهج‌البلاغه، حکمت ۲۰۹.

۲. قصص: ۵.

علاوه بر این، نمود قرآنی بیان این سنت در کلام آن حضرت، استشهاد به عین آیات قرآن و بیان مصداق برای سنت استخلاف است. هم‌چنین در نهج البلاغه آمده است:

به خدا سوگند! اگر در پیروی از حکومت و امام، اخلاص نداشته باشید، خدا دولت اسلام را از شما خواهد گرفت و هرگز به شما باز نخواهد گردانید و در دست دیگران قرار خواهد داد.^۱

۸-۲-۳. سنت پیروزی مؤمنان

سنت الهی در نظام آفرینش بر این پایه استوار است که باید مؤمن از نظر منطق و در صحنه‌های سیاسی، اجتماعی و درگیری‌های نظامی نهایت تلاش خود را برای غلبه بر دشمن دینی انجام دهد که این امر جز با نصرت خاص الهی تحقق نمی‌پذیرد و این وعده حتمی و سنت ثابت خداوند است. چنانچه پدری که بر فرزندش ولایت دارد، مراقب او است تا اگر نتوانست از خود دفاع کند به یاریش بشتابد و او را از دست دشمنانش برهاند. بر این اساس، قرآن کریم در این باره می‌فرماید:

پس ما از کسانی که گناه کردند، انتقام گرفتیم و یاری دادن مؤمنان بر عهده

ما است.^۲

علامه طباطبایی در تفسیر این آیه می‌نویسد:

این آیه بیان‌گر این معنا است که برای مؤمنان حقی بر پروردگارشان است و

آن این‌که در دنیا و آخرت آنان را یاری دهد و این حقی است که از ناحیه خدا

برای مؤمنان جعل شده است.^۳

۱. فیض الاسلام، نهج البلاغه، خطبه ۱۶۹.

۲. فَانْتَقَمْنَا مِنَ الَّذِينَ أَجْرَمُوا وَكَانَ حَقًّا عَلَيْنَا نَصْرُ الْمُؤْمِنِينَ (روم: ۴۷).

۳. طباطبایی، ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۶، ص ۲۹۹.

نهج‌البلاغه نیز در موارد متعددی به پیروزی مؤمنان بر دشمنان خویش اشاره نموده است. به طوری که حضرت علی علیه السلام در پاسخ به نظرخواهی عمر (۱۳-۲۳ ه.ق.) در خصوص حضور شخصی خلیفه در جبهه ایران می‌فرماید:

پیروزی و خواری این کار، نه به اندکی سپاه بود و نه به بسیاری آن. دین خدا بود که خدا چیره‌اش نمود و سپاه او که آماده‌اش کرد و آن را یاری فرمود، تا بدان جا رسید که رسید و پرتو آن بدان جا دمید که دمید. ما از خدا وعده پیروزی داریم و به وفای او امیدواریم او به وعده خود وفا کند و سپاه خود را یاری دهد.^۱

جایگاه زمام‌دار در این کار، جایگاه رشته‌ای است که مهره‌ها را به هم فراهم آورد و برخی را ضمیمه برخی دیگر دارد. اگر رشته ببرد، مهره‌ها پراکنده شود و از میان رود و دیگر به تمامی فراهم نیاید و عرب امروز اگرچه اندک هستند در شمار، اما با یک دلی و یک سخنی در اسلام نیرومندند و بسیار...، اما آنچه از شمار آنان گفتمی، ما در گذشته نمی‌جنگیدیم به نیروی بسیاری، بلکه می‌جنگیدیم با چشم داشتن به پیروزی و یاری.

ایشان در خصوص علت اصلی پیروزی خود بر دشمن می‌فرماید:

من هرگز با جنگ، تهدید نشده‌ام و از زخم‌های شمشیر هراسی نبوده‌ام؛

چرا که تکیه من بر وعده‌های نصرت پروردگار است.^۲

۱. فیض الاسلام، نهج‌البلاغه، خطبه ۱۴۶.

۲. همان، خطبه ۱۷۳.

۹. سنت‌های دیگر

۹-۱. حرکت تاریخ

حرکت تاریخ یکی از مهم‌ترین مباحث فلسفه نظری تاریخ به شمار می‌رود که امام علی علیه السلام در نهج البلاغه به آن اشاره می‌نماید و تاریخ را مجموعه‌ای قلمداد می‌کند که همواره به صورت تکاملی در حرکت است. آن حضرت در خطبه ۸۳ مرگ و زندگی را یکی از مؤلفه‌های حرکت مستمر تاریخ می‌داند و می‌فرماید:

بدین ترتیب، آیندگان به دنبال گذشتگان در حرکت هستند و مرگ از درو کردن زندگان باز نمی‌ایستد و آنان که به دنبال کاروانیان گذشته در حرکت هستند از ارتکاب ناشایسته‌ها خودداری نمی‌کنند.^۱

علامه محمدتقی جعفری، آیه کُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ ثُمَّ إِلَيْنَا تُرْجَعُونَ^۲ را برای تأیید کلام امیرالمؤمنین علیه السلام بیان می‌کند و می‌افزاید:

کیست که در این دنیا این حقیقت را نفهمد؟ کیست آن زنده‌ای که ناپایداری حیات را درک نکرده باشد؟ آیا بزرگی بزرگان می‌تواند از فرو رفتن چنگال مرگ در حیاتشان جلوگیری کند؟^۳

۹-۲. سنت هدف‌مندی جهان هستی

این دنیا به صورت حکیمانه آفریده شده است و تمام اصول آن بر پایه هدفی عظیم و حکمتی استوار قرار گرفته است و اگر کسی با خود بگوید، این جهان بیهوده آفریده شده

۱. همان، خطبه ۸۳.

۲. آل عمران: ۱۸۵.

۳. جعفری، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، ج ۱۳، ص ۳۶.

است، کفر ورزیده است؛ چراکه خدایی که این جهان را آفریده است و او هیچ چیز را بی‌جهت خلق نکرده است. خداوند در آیات ۱۶ تا ۱۸ سوره انبیا می‌فرماید:

آسمان، زمین و آنچه که میان آن‌ها است را به بازیچه نیافریدیم. اگر ما می‌خواستیم جهان را به بازی گیریم خود چنین می‌کردیم و چنین می‌بود. بلکه (این‌گونه نیست و جز آنکه کار از سر بازی نیست)، همیشه حق را بر باطل می‌افکنیم تا آن را تباه سازد. این است که باطل نابود است. وای بر شما از آنچه (خدا را به آن) وصف می‌کنید و کار را بازیچه می‌پندارید.^۱

هم‌چنین، خداوند در آیه ۲۷ سوره ص می‌فرماید:

آسمان و زمین و آنچه در میان آن‌ها است را به باطل نیافریدیم، این پندار کسانی است که کفر پیشه ساخته‌اند، وای بر کفر پیشگان از گرفتاری در دوزخ.^۲

خداوند در آیه ۴۹ سوره قمر می‌فرماید:

ما هر چیزی را به اندازه (و برای هدفی معین) آفریدیم.^۳

امام علی علیه السلام نیز مسئله هدف‌مندی هستی را به صورت کلی و عام مطرح می‌کند و هشدارهای لازم را می‌دهد که سنت‌های الهی به طور تصادفی و بدون حساب و برنامه نیست و آن‌ها آزادی انسان را سلب نمی‌کند. بلکه جریان آن‌ها بر اساس عملکرد جامعه‌های بشری است. امام علی علیه السلام در این باره می‌فرماید:

خدای متعال شما را بیهوده نیافریده و مهمل (و بی‌حساب و بی‌کتاب) رها

۱. انبیاء: ۱۶-۱۸.

۲. ص: ۲۷.

۳. قمر: ۴۹.

نکرده است و در نادانی و کوری نگذاشته است. کارهای شما (و وظایف شما) را یکایک معلوم کرده است.^۱

ایشان در جای دیگری، دنیا را وسیله‌ای برای رسیدن به آخرت می‌داند و می‌فرماید:
دنیا برای دیگری آفریده شده است و برای خود آفریده نشده است.^۲

در واقع، دنیا وسیله‌ای برای رسیدن به آخرت است. کسانی که همه هدف‌های خود را در درون دنیا جست‌وجو می‌کنند، زمین‌گرا و زمین‌گیر می‌شوند. امام علیه السلام در جای دیگر می‌فرماید:
ای بندگان خدا! روزگار بر بازماندگان آن‌گونه می‌گذرد که بر پیشینیان گذشت. آنچه گذشته باز نمی‌گردد و آنچه هم اکنون موجود است، جاودان نمی‌ماند. آخر کارش هم چون اول کار او است و اعمال و رفتارشان همانند یکدیگر و نشانه‌هایش روشن و آشکار است.^۳

هم‌چنین در جای دیگر می‌فرماید:

بدانید ای بندگان خدا! شما و آنچه از این دنیا دارید به همان راهی می‌رود که پیشینیان شما رفتند. آن‌ها که عمرشان از شما طولانی‌تر، سرزمینشان آبادتر و آثارشان بیشتر بود، ناگهان صداهایشان خاموش و قدرتشان ناپود و اجسادشان پوسیده و سرزمینشان خالی و آثارشان ویران گشت. قصرهای بلند و محکم و پستی‌های راحت و نرم آن‌ها به سنگ و آجر و لحد‌های گورستان مبدل شد. همان گورهایی که بنایش بر ویرانی است و بار گل آن را محکم کرده‌اند.^۴

۱. فیض الاسلام، نهج البلاغه، خطبه ۲۰۶.

۲. همان، حکمت ۴۶۳.

۳. همان، خطبه ۱۵۷.

۴. همان، خطبه ۲۲۶.

امام علی علیه السلام در بخش دیگری از سخنان خویش به گروهی از اقوام پیشین اشاره می‌کند و می‌فرماید:

بنگرید آن‌ها چگونه بودند در آن هنگام که جمعیت‌هایشان متحد، خواسته‌ها متفق، قلب‌ها و اندیشه معتدل، دست‌ها پشت‌باز هم، شمشیرها یاری‌کننده یکدیگر، دیده‌ها نافذ، عزم‌ها قوی و اهدافشان یکی بود؟ آیا آن‌ها مالک اقطار زمین نشدند؟ و آیا زمام‌دار و حکم‌فرما بر همه جهانیان نگشتند؟ ولی پایان کارشان را نیز بنگرید در آن هنگام که پراکندگی جای اتحاد را گرفت، الفت به تشمت گرایید، اهداف و دل‌ها مختلف شد و به گروه‌های متعددی تقسیم شدند و در عین پراکندگی به نبرد با یکدیگر پرداختند در این هنگام خدا لباس کرامت و عزت را از تنشانش بیرون کرد و نعمت‌های گسترده را از آن‌ها سلب نمود و تنها چیزی که از آن‌ها در میان شما باقی مانده است، داستان و سرگذشت آن‌ها است که عبرتی است برای عبرت‌گیرندگان.^۱

در خطبه دیگری می‌فرماید:

در تاریخ قرون گذشته، درس‌های عبرت مهمی است. کجا هستند عمالقه و فرزندان عمالقه؟^۲ کجا ایند فرعون‌ها و فرزندان ایشان؟ کجا هستند اصحاب

۱. همان، خطبه ۱۹۲.

۲. عمالیق، بنو عمالیق، بنو عملاق، قومی از عرب بائده و از فرزندان عملیق (عملاق) ابن لاوذ بن ارم بن سام بن نوح بودند. این قوم از اقوام باستانی و ساکن شمال حجاز بودند. آنان در عهد فراعنه، مصر را گشودند و در آن کشور فرمانروایی کردند (ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۰، ص ۲۷۱؛ دهخدا، لغت‌نامه، کلمه عمالقه).

شهرهای رس؟ همان‌ها که پیامبران را کشتند و چراغ پرفروغ سنت‌های آنان را خاموش و راه و رسم جباران را زنده ساختند؟ کجایند آن‌ها که با لشکرهای گران به راه افتاده‌اند و هزاران هزار نفر را شکست دادند؟ سپاهیان فراوان گرد آوردند و شهرهای عظیم بنا نهادند.^۲

در سایر روایات اسلامی نیز به این معنا توجه فراوان شده است و تاریخ به عنوان یک منبع الهام‌بخش و به صورت هدف‌مند معرفی گردیده است.

۹-۳. سنت هلاکت امت‌ها در اثر منع حق مردم و گمراه نمودن دیگران

هرگاه در جامعه‌ای با گمراه نمودن مردم از ارزش‌های اخلاقی، حق الهی از بین برود و مردم از خدا و مکتب انبیا فاصله بگیرند و فساد و فحشا شیوع پیدا کند، جامعه محکوم به فنا است و دیر یا زود از بین خواهد رفت و به شکست و هلاکت خواهد رسید. امام علی علیه السلام در این باره می‌فرماید:

اما بعد، همانا امت‌های پیش از شما از آن جهت هلاک شدند که مردم را از حق خود منع کردند و آن‌ها آن را خریدند (با رشوه و غیر آن) و مردم را به سوی باطل سوق دادند و آنان از آن (باطل) پیروی کردند.^۳

۱. بسیاری معتقدند، اصحاب رس قومی بودند که در سرزمین یمامه در جنوب عربستان می‌زیستند و پیامبری به نام حنظله داشتند. در حالی که بعضی دیگر، آن‌ها را قوم شعیب می‌دانند و بعضی، محل آن‌ها را آبادی‌هایی میان شام و حجاز می‌شمارند.

۲. فیض الاسلام، نهج‌البلاغه، خطبه ۱۸۲.

۳. همان، نامه ۷۹.

۹-۴. سنت محرومیت از رحمت الهی در اثر ترک امر به معروف و نهی از منکر

یکی از عوامل بسیار مهم در تضمین سعادت جامعه و جلوگیری از تباهی، امر به معروف و نهی از منکر است که این امر به نحوی مسئولیت همگانی را در برابر حفظ جامعه نشان می‌دهد. قرآن کریم درباره امر به معروف و نهی از منکر مطالب فراوانی را بیان فرموده است که از جمله آیاتی که می‌توان استنباط صریحی از آن درباره نتیجه ترک این فریضه بزرگ در هلاکت جامعه و محرومیت از رحمت الهی بیان کرد در سوره مبارکه مائده است. خداوند در این سوره می‌فرماید:

[و] از کار زشتی که آن را مرتکب می‌شدند، یکدیگر را باز نمی‌داشتند.
راستی، چه بد بود آنچه می‌کردند.^۱

امیرالمؤمنین علیه السلام نیز ارزش این دو فریضه را در مقایسه با سایر فریض دینی مانند جهاد در راه خدا، بسیار بالا می‌برد و از آن به عنوان بهترین اعمال یاد می‌کند. آن حضرت در این باره می‌فرماید:

خداوند، مردم قرون گذشته را از رحمت خود دور نکرد، مگر به سبب این که امر به معروف و نهی از منکر را ترک کردند. پس خداوند نادانان را به سبب ارتکاب گناه و بردباران را به سبب ترک نهی از منکر از رحمت خود دور ساخت.^۲

ایشان در خطبه دیگر در این باره می‌فرماید:
تمام کارهای نیک و جهاد در راه خدا در جنب امر به معروف و نهی از منکر چیزی نیست جز به مانند انداختن آب دهان در دریای پهناور. امر به

۱. كَانُوا لَا يَتَنَاهَوْنَ عَنِ مُنْكَرٍ فَعَلُوهُ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ (مائده: ۷۹).

۲. فیض الاسلام، نهج‌البلاغه، خطبه ۱۹۲.

معروف و نهی از منکر نه اجلی را نزدیک می‌کند و نه از روزی می‌کاهد و بهتر

از همه این‌ها سخن عدل است در برابر حاکم ظالم.^۱

۹-۵. سنت زوال کرامت و نعمت در اثر تفرقه و اختلاف

یکی از عواملی که سبب فروپاشی یک جامعه می‌شود، پیدایش تفرقه و اختلاف سیاسی در میان مردم است. امیرالمؤمنین علیه السلام بر موضوع وحدت در جامعه، بسیار تأکید می‌کنند، آن را رمز پیروزی می‌دانند و وجود اختلاف و تفرقه را عامل سقوط و از بین رفتن ملک و قدرت معرفی می‌کنند، امام علی علیه السلام درباره بعضی از امت‌های پیشین می‌فرماید: به عاقبت کارهای آن‌ها بنگرید هنگامی که پراکندگی در میان آن‌ها واقع شد و الفت آن‌ها به تشتت گرایید و سخن‌ها و دل‌ها اختلاف پیدا کرد و به گروه‌های متعددی منشعب شدند و در پراکندگی با هم به ستیز پرداختند، پس خداوند لباس کرامت خود را از تنشان بیرون آورد و وسعت نعمت را از آن‌ها سلب کرد و قصه‌های آن‌ها در میان شما به صورتی عبرتی برای عبرت گیرندگان باقی ماند.^۲ هم‌چنین در جای دیگر می‌فرماید:

همواره با بزرگ‌ترین جمعیت‌ها باشید که دست خدا با جماعت است از

پراکندگی بپرهیزید.^۳

امام علی علیه السلام در تفسیر معنای ایمان بعد از این که برای آن چهار ستون صبر، یقین، عدل و جهاد قائل می‌شود، می‌فرماید: یقین چهار شعبه دارد و بر چهار پایه استوار است: بر بیستش و هوشیاری و

۱. همان، کلمات قصار ۳۷۴.

۲. همان، خطبه ۱۹۲.

۳. همان، خطبه، ۱۲۷.

رسیدن به دقایق حکمت، بند گرفتن از عبرت‌ها و توجه به سنت‌های پیشینیان.^۱

۱۰. نتیجه

سنت در لغت به معنای سیره و روش است و سنت الهی از ضوابطی است که در افعال الهی وجود دارد یا روش‌هایی است که خدای متعال امور عالم و آدم را بر پایه آن‌ها تدبیر و اداره می‌کند. بر این اساس، یکی از مؤلفه‌های فلسفه تاریخ در نهج‌البلاغه، سنت‌های الهی است که امام علی علیه السلام توجه ویژه‌ای به آن دارد. سنت‌های الهی بیان شده در قرآن به طور صریح و غیرصریح در نهج‌البلاغه انعکاس یافته است. امام علی علیه السلام در نهج‌البلاغه به موضوع سنت‌های الهی حاکم بر حرکت تاریخ می‌پردازد و با ارائه نمونه‌های گوناگون، وجود حرکت تاریخ را تأیید می‌کند. به طوری که سنت‌های بیان شده از دیدگاه قرآن و نهج‌البلاغه که حرکت تاریخ را نشان می‌دهند دارای ویژگی‌های زیر است:

۱. سنت الهی تغییر و تبدیل ناپذیر هستند؛ زیرا منظور از آن‌ها، تطهیر و تربیت نفس برای وصول به ثواب و جوار الهی است و این هدفی ثابت است.
۲. سنت الهی را می‌توان به معنای ضوابطی که در افعال الهی وجود دارد یا بر روش‌هایی که خداوند متعال، امور عالم و آدم را بر پایه آن‌ها تدبیر و اداره می‌کند، دانست؛ زیرا هیچ یک از افعال عبث و گزاف نیست. بلکه همه آن‌ها بر اساس ضوابطی از صفت حکمت خداوند سرچشمه می‌گیرند.
۳. آگاهی و اعتقاد به سنن الهی در حصول بینش توحیدی برای انسان نسبت به جهان و رخدادهای آن مؤثر است.
۴. سنت‌های الهی به طور تصادفی و بدون حساب و برنامه نیست و آزادی انسان را سلب نمی‌کند. بلکه جریان آن‌ها بر اساس عملکرد جامعه‌های بشری و هدف‌مند است.

۱. همان، کلمات قصار ۳۱.

۵. همه انسان‌ها در معرض آزمایش و فتنه قرار می‌گیرند و کسی از آن برکنار نیست. بنابراین، نباید از فتنه به خدا پناه برد. بلکه برای سربلند بیرون آمدن از فتنه و امتحان باید به خدا پناه برد.

۶. سنت‌های الهی عمومی، تغییر ناپذیر هستند.

۷. سنت‌ها و نوامیسی که بر پیشینیان حکومت می‌کرد در تمام جوامع بشری جریان دارد و به نوعی حرکت تاریخ را نشان می‌دهد و عبرت‌گیری از آنان مورد تأکید امام علی علیه السلام است.

۸. سنت الهی در نظام آفرینش بر این پایه استوار است که مؤمن باید از نظر منطق و در صحنه‌های سیاسی، اجتماعی و درگیری‌های نظامی بر دشمن دینی پیروز باشد و این امر جز با نصرت خاص الهی تحقق نمی‌پذیرد. این وعده حتمی و سنت ثابت خداوند است.

۹. سنت‌های الهی را می‌توان به اصلی کلی و یک قاعده عمومی برگشت داد و آن این است که هرگاه جامعه، امکانات و توانایی خود را در مسیری که از جانب خدا تعیین شده است، قرار دهد و خود را با عالم هستی که خواه ناخواه در برابر خدا خضوع دارد، منطبق سازد و بین خود و اراده الهی، رابطه ایجابی برقرار کند و مسئولیت خود را در برابر حق بشناسد، صعود می‌کند و قابلیت بقا می‌یابد. در مقابل، اگر جامعه‌ای با اراده الهی رابطه سلبی داشته باشد و امکانات خود را نه در راه رسیدن به تکامل انسانی، بلکه در راه هوس‌های زودگذر قرار دهد، دیر یا زود نتواند انحراف از مسیر را خواهد داد و دچار سرنوشتی شوم خواهد بود.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. نهج‌البلاغه.
۳. ابن اثیر، عزالدین، *النهائية في غريب الحديث والاثار*، ج ۲، بی‌جا: الحلبي، ۱۳۸۳ ه.ق.
۴. ابن منظور، محمد بن مکرم، *لسان العرب*، ج ۱۰، بیروت: دار صادر، ۱۴۱۴ ه.ق.
۵. ادواردز، یل، *فلسفه تاریخ: مجموعه مقالات از دایرة المعارف فلسفه*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۵.
۶. استنفورد، مایکل، *درآمدی بر تاریخ پژوهی*، ترجمه مسعود صادقی، تهران: سمت، ۱۳۸۴.
۷. _____، *درآمدی بر فلسفه تاریخ*، ترجمه احمدگل محمدی، تهران: نشر نی، ۱۳۸۲.
۸. امامی، محمدجعفر و آشتیانی، محمدرضا، *ترجمه گویا و شرح فشرده‌ای بر نهج‌البلاغه*، ج ۳، قم: نشر هدف، ۱۴۰۱ ه.ق.
۹. بحرانی، میثم بن علی بن میثم، *ترجمه شرح نهج‌البلاغه*، ترجمه قربانعلی محمدی مقدم و علی اصغر نوایی یحیی زاده، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۵.
۱۰. جعفری، محمدتقی، *ترجمه و تفسیر نهج‌البلاغه*، ج ۱۳، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۵.
۱۱. جعفری، یعقوب، *بینش تاریخی نهج‌البلاغه*، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۲.
۱۲. _____، «تاریخ در نهج‌البلاغه»، *میراث جاویدان*، ۱۳۷۸، سال ۷، شماره ۲۵ و ۲۶.
۱۳. جعفری، سید محمد مهدی، *پرتوی از نهج‌البلاغه*، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰.
۱۴. جعفری، محمد مهدی و سعیدی، فاطمه، «بررسی تأثیر اخلاق در فلسفه نظری تاریخ با نگاه بر نهج‌البلاغه»، *فصلنامه پژوهشنامه نهج‌البلاغه*، ۱۳۹۳، سال ۲، شماره ۷.
۱۵. حسن‌زاده، علی و خلیلیان، مهدی، *فلسفه تاریخ از دیدگاه اسلام*، تهران: انتشارات زائر، ۱۳۸۹.

۱۶. حیدر کوشا، غلام، «پژوهشی در الگوی مطالعه سنت‌های اجتماعی در قرآن»، معرفت فرهنگی اجتماعی، بهار ۱۳۸۹، سال ۱، شماره ۲.
۱۷. دلشاد تهرانی، مصطفی، *تراز حیات: ساختارشناسی عدالت در نهج البلاغه*، تهران: دریا، ۱۳۹۰.
۱۸. دهخدا، علی‌اکبر، *لغت‌نامه*، زیر نظر محمد معین و جعفر شهیدی، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۳.
۱۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، *المفردات فی غریب القرآن*، تهران: المکتبه المرتضویة للاحیاء آثار الجعفریة، ۱۳۸۳.
۲۰. ساماران، شارل، *روش‌های پژوهش در تاریخ*، ترجمه گروه مترجمان، تهران: بنیاد پژوهش‌های اسلامی قدس، ۱۳۷۵.
۲۱. سروش، عبدالکریم، *فلسفه تاریخ*، چاپ دوم، تهران: انتشارات پیام آزادی، ۱۳۵۷.
۲۲. _____، *فلسفه نظری تاریخ*، فلسفه علم تاریخ، بی‌جا: حکمت، ۱۳۷۵.
۲۳. شمس‌الدین، محمدمهدی، *حرکت تاریخ از دیدگاه امام علی (علیه السلام)*، ترجمه محمدرضا ناجی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۰.
۲۴. شهیدالاول، *اللمعة الدمشقیة*، قم: دار الفکر، ۱۴۱۱ ه.ق.
۲۵. صدر، محمداقبر، *سنت‌های اجتماعی و فلسفه تاریخ در مکتب قرآن*، ترجمه حسین منوچهری، تهران: مرکز نشر فرهنگی رجا، ۱۳۶۹.
۲۶. طباطبایی، محمدحسین، *ترجمه تفسیر المیزان*، ترجمه محمداقبر موسوی، ج ۴، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴.
۲۷. _____، *قرآن در اسلام*، تصحیح هادی خسروشاهی، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۶۸.
۲۸. طبرسی، فضل بن حسن، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، ج ۲، تهران: ناصرخسرو، ۱۳۷۲.
۲۹. عاملی، شیخ محمد بن حسن حر، *وسائل الشیعة*، ج ۳، قم: مؤسسه آل‌البتیت علیهم‌السلام لإحیاء التراث، بی‌تا.
۳۰. فیض الاسلام، علینقی، *نهج البلاغه*، ترجمه و شرح فیض الاسلام، تهران: انتشارات فیض الاسلام، ۱۳۷۱.

۳۱. کافی، مجید، *فلسفه نظری تاریخ (مفاهیم و نظریه‌ها)*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و سمت، ۱۳۹۳.
۳۲. مصباح یزدی، محمدتقی، *جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن*، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۷.
۳۳. مظفر، محمدرضا، *اصول الفقه*، ج ۲، قم: نشر سیدعبدالله اصغری، ۱۳۸۶.
۳۴. مفتخری، حسین، *مبانی علم تاریخ*، تهران: سمت، ۱۳۹۱.
۳۵. محرابی، محمد، «کلید شناخت فلسفه تاریخ در قرآن ببتش تاریخی شهید صدر»، *فصلنامه مفید*، ۱۳۸۸، شماره ۱۰.
۳۶. مکارم شیرازی، ناصر، *پیام امام*، شرح تازه و جامعی بر *نهج‌البلاغه*، ج ۲، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۹.
۳۷. نصر، عباس، *ارزش تاریخ در نهج‌البلاغه*، قم: شکوری، ۱۳۷۰.
۳۸. والش، دلیبو، *اچ، مقدمه‌ای بر فلسفه تاریخ*، ترجمه ضیاءالدین علایی طباطبایی، تهران: سپهر، ۱۳۶۳.
۳۹. وفا، جعفر، *تاریخ از دیدگاه قرآن و نهج‌البلاغه*، تهران: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۸۲.